

درآمد به تاریخ نگاری انقلاب اسلام

در گفت و گو با:

دکتر محمدحسن رجبی؛ پژوهشگر و نویسنده
آقای قاسم تبریزی؛ پژوهشگر تاریخ معاصر



کتاب ماه: بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از دوستان عزیز که وقت خود را در اختیار کتاب ماه تاریخ و جغرافیا گذاشتند. از زوایای گوناگونی می‌توان در مورد تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بحث کرد. به نظر من، ما هنوز به صورت متعین و ثابتی از تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی دست نیافته‌ایم و به علت حضور بازیگران زنده، هنوز در جریان این حادثه قرار داریم؛ البته هم‌زمان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بسیار زنده و فعال است و از وجوه گوناگونی به آن پرداخته می‌شود. برای ورود به بحث تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی باید یک دسته‌بندی از افرادی که در این حوزه قلم می‌زنند و نیز سبک و سیاق و روش آنان انجام دهیم. یک دسته‌بندی ساده و اولیه می‌تواند شامل دو دسته افراد شود. گروه اول کسانی که در جریان انقلاب اسلامی قرار دارند و با آن همراهند و از داخل آن بلند شده‌اند و گروه دوم کسانی که خارج از این جریان هستند و به نوعی می‌توان گفت خارج از حوزه‌ی مدافعان این جریانند. هر چند که حتماً هر یک دسته‌بندی‌های دقیق‌تری خواهند داشت. از آقای دکتر رجبی خواهش می‌کنم بحث را آغاز فرمایند.

دکتر رجبی: بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به تاریخ‌هایی که در حوزه‌ی انقلاب اسلامی نوشته شده است، می‌توان چند جریان را برشمرد. جریان نخست که بیشتر در سال‌های اول انقلاب معمول بود، تحلیل یا تفسیر ایدئولوژیک از تاریخ انقلاب اسلامی است. بدین معنی که این جریان انقلاب اسلامی را در تداوم راه انبیاء می‌دانست و تاریخ انقلاب را جلوه‌ای از تضاد حق و باطل. مصادیقی هم برای آن برمی‌شمردند. کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌هایی، گاه از سوی افراد مؤثر در انقلاب و هم از سوی مورخان جوان نوشته شده و یا انجام گرفته است.

جریان دوم قائل به نقش «قهرمان در تاریخ» بودند و هستند؛ بدین معنی که امام‌خمینی (ره) را محور تاریخ‌نگاری و تاریخ‌سازی می‌دانستند. این دو جریان عمدتاً وابسته و متعهد به نظام بودند. جریان‌هایی که در سال‌های بعد، یعنی از دهه‌ی دوم به بعد ظهور کرد، عمدتاً دارای این ویژگی‌ها بودند.

جریان سوم انقلاب اسلامی را جلوه‌ی تعارض بین سنت و تجدد می‌دانست و دوران حاضر را دوران گذر به سمت تجدد تلقی می‌کردند و معتقد بودند که این سیر اجتناب‌ناپذیر است و به دلیل ریشه‌های عمیقی که سنت در تاریخ ما دارد، رسیدن به تجدد به یک مرحله‌ی گذار نیاز دارد. سال‌های ۷۶ به بعد این بحث بسیار رایج بود.

تاریخ‌نگاری

دکتر رجبی: من تصور می‌کنم با توجه به گسترش ارتباطات، مرزها به هم خورده است و نمی‌توان آن را ملاک قابل قبولی برای این تقسیم‌بندی‌ها دانست. بسیاری از جریان‌های داخلی متأثر از بیرون هستند و در اندک زمانی نیز در داخل کشور رایج شده‌اند

آقای تبریزی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. می‌توان یک تقسیم‌بندی روشن‌تر از تاریخ‌نگاری به طور عام ارائه داد. اولین تاریخ‌نگاری تاریخ‌نگاری شاهنشاهی است که در آن تملق و تمجید از شاه محور قرار گرفته است. هرچه هم به زمان‌های متأخر نزدیک‌تر می‌شدیم، این تاریخ‌نگاری تنزل بیشتری می‌یافت. معضل دیگر تاریخ ایران، خصوصاً در دوران پهلوی، علاوه بر استبداد و دیکتاتوری شاهنشاهی، وابستگی به استعمار، اطاعت حکومت و دولت‌مردان از بیگانه، نه تنها اقتدار و امنیت ملی را از بین برد، که هویت فرهنگی - سیاسی جامعه را مخدوش کرد؛ تا آن‌جاکه در دوران پس از مشروطه، خاصه در عصر پهلوی، حکومت‌گران در ارتباط با بیگانگان نه تنها گوی سبقت از یکدیگر می‌روند که مفتخر به وابستگی بودند. این وضعیت آن‌چنان پایه‌ها و ارکان حکومت را سست کرد که استعمارگران هم نتوانستند حافظ تاج و تخت پهلوی باشند. با آن که رجال این دوران به حفظ منافع، اقتدار و سلطه‌ی انگلیس و آمریکا افتخار می‌کردند و به تعبیر اسدالله علم که به سفیر آمریکا می‌گوید: «ما در دنیا تنها کشوری هستیم که با بودجه‌ی خودمان حافظ منافع شما هستیم». در میان اسناد لانه‌ی جاسوسی، و اسناد منتشرشده‌ی ساواک و برخی اسناد دیگر این ارتباط و وابستگی به تصریح بیان شده است. در دوران محمدرضا که سلطه‌ی غالب به تدریج از آن آمریکا شد، بسیاری از رجال دوران مشروطه، دوران رضاخان که به تشکیلات فراماسونری انگلیسی وابسته بودند، به آمریکا گرایش پیدا کردند. و آن عده‌ای که مستقیماً با لندن در ارتباط بودند، راهی واشینگتن شدند. چون اساس و اصل مهم در نظر ایشان باقی ماندن در پست صدارت و وزارت بود. لذا ما شاهد نه تنها بی‌خاصیتی رجال این دوران به لحاظ خدمت به مملکت هستیم، که در مسیر اهداف، مقاصد و منافع بیگانگان گام برمی‌داشتند. حتی ارتش و نیروهای نظامی و انتظامی که باید حافظ مرزها، منافع و آسایش ملت خود باشند، در اختیار استعمار بود.

وابستگی بسیاری از سران ارتش و شخصیت‌های مملکتی به لژهای فراماسونری شاهد این ادعاست. در میان رجال ارتشی، سپهد فضل‌الله زاهدی از دوران رضاخان علیه ملت خود بود و جنایات و آدم‌کشی‌هایی در گیلان و غرب کشور و دیگر حوزه‌های قدرت انجام داده بود. پس از شهریور ۱۳۲۰، خصوصاً به سرکوب نهضت ملی شدن نفت و کودتای انگلیسی - امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شهرت عام دارد. او به عنوان کاندیدای مشترک آمریکا و انگلیس در قضیه‌ی کودتا برگزیده شد.

جریان چهارم انقلاب اسلامی را حرکتی مستمر از آرمان‌خواهی اسلامی اولیه به واقع‌نگری و ترجیح منافع ملی به بر آرمان‌های ایدئولوژیک تعبیر می‌کند.

جریان پنجم همان تفسیر رایج مارکسیستی از پدیده‌ی انقلاب است. متأسفانه این جریان به صورت‌های مختلف باز در حال احیاء است.

جریان ششم انقلاب اسلامی را آمیزه‌ای از ایدئولوژی، سنت و تجدد می‌داند که به استقرار و تثبیت نظام مردم‌سالاری دینی انجامیده است. بنابراین تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، از نظر این جریان، متأثر از سه جریان عمده است: جریان‌های ایدئولوژیک، سنت و تجدد. ما در هر دوره یکی از این تاریخ‌نگاری‌ها یا بهتر بود تلقی از تاریخ‌نگاری را داشته‌ایم.

البته کسانی هم بوده‌اند که در مراحل اول به جریان ایدئولوژیک در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی معتقد بوده‌اند و در سال‌های بعد، به دلیل تطورات فکری و فراز و نشیب‌های سیاسی جامعه، پیرو تلقی‌های دیگری از تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی شده‌اند.

علاوه بر موارد فوق، می‌توان نوعی تاریخ‌نگاری درباری را هم ذکر کرد که خاص سلطنت‌طلبان خارج از کشور است و جریان رایج و غالبی نیست، ولی به هر حال پیروان آن صاحبان آثار هستند و فعالیت دارند.

کتاب ماه: شما به تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاران در داخل مرز و خارج مرز قائل نیستید و عموماً همه را متأثر از این شش جریان می‌دانید؟

دکتر رجبی: من تصور می‌کنم با توجه به گسترش ارتباطات، مرزها به هم خورده است و نمی‌توان آن را ملاک قابل قبولی برای این تقسیم‌بندی‌ها دانست. بسیاری از جریان‌های داخلی متأثر از بیرون هستند و در اندک زمانی نیز در داخل کشور رایج شده‌اند. به همین علت من مرزها را در نظر نمی‌گیرم اما می‌توانم بگویم که دو جریان اول، ساخته و پرداخته‌ی نسل وفادار به نظام است. اما جریان‌های بعدی، تطوری نسبت به دو جریان اول هستند.

کتاب ماه: حاج‌آقا تبریزی شما هم تقسیم‌بندی موردنظر خود را بیان فرمایید.

آقای تبریزی: یکی از شیوه‌های تاریخ‌نگاری در ایران تاریخ‌نگاری چپ بود که به جهان، انسان و تحولات نگاه ماتریالیستی داشت. این نگرش هم در مبانی وجود داشت و هم در تشکیلاتی مانند حزب توده

تاریخ‌نگاری

از این موارد نمونه‌های بسیار می‌توان نام برد. تاریخ‌نگاری هم در این دوران، تمجید و تملق از شاه و همین برگزیدگان سرسپردی استعمار و شاه بود. شاید بتوان یکی از علل تنفر از تاریخ را در جامعه، همین میراث تاریخ‌نگاری شاهنشاهی دانست. از اوایل دوره قاجار، روش تاریخ‌نگاری غربی وارد تاریخ‌نگاری ایران شد. به‌ویژه با الگوهایی مانند آثار **سرجان ملکم، ادوارد براون** و... تحت عنوان ایران‌شناسی و شرق‌شناسی، بیشتر شد. این روش سه ضربه به فرهنگ، هویت و اعتقادات ما زد. اولین مسأله این بود که هویت ما را از اسلامیت خارج کرد؛ دومین آسیب، مادی شدن تعریف تاریخ بود، برخلاف این که در فرهنگ ما تعریف از تاریخ معنوی بود و تاریخ برای ما محتوای معنوی داشت. سومین آسیب این بود که روش تاریخ‌نگاری ما تبدیل شد به روشی برای کسانی که شیدا و شیفته‌ی غرب بودند و یا این روش را روش علمی می‌دانستند. اگر بخواهیم نمونه‌ی تشکیلاتی این روش را هم ارائه کنیم، کاری است که فراماسونرها در ادامه‌ی راه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در پیش گرفتند. شرق‌شناسی، خاورشناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی غرب همواره در راستای حرکت استعماری غرب و زیر نظر وزارت خارجه و در سده‌ی اخیر، نفوذ و طرح و برنامه‌های سرویس‌های اطلاعاتی غرب صورت گرفته است. به همین دلیل، شرق‌شناسی یک علم یا روش علمی و پژوهش علمی نبوده و نیست. خصوصاً از سوی انگلستان، هلند، فرانسه و آمریکا. ادوارد سعید، محقق معاصر به دو قدرت رقیب و هم‌دست استعماری یعنی انگلستان و فرانسه اشاره می‌کند که در قرن گذشته آمریکا جانشین آن دو شده است.

عملکرد شرق‌شناسان در مصر، فلسطین، ترکیه، ایران، عراق، الجزایر، مراکش، هندوستان و ده‌ها مصداق دیگر نشانگر این مدعاست. تا آن‌جا که تأثیر آثار به‌ظاهر محققانه‌ی اروپا که خاورمیانه و اسلام را از نظر انسانی پست‌تر می‌بیند. در شرق‌شناسی ادوارد سعید، شرقی که آفریده‌ی غرب است، نمونه‌ی دیگری است.

سومین شیوه‌ی تاریخ‌نگاری در ایران تاریخ‌نگاری چپ بود که به جهان، انسان و تحولات نگاه ماتریالیستی داشت. این نگرش هم در مبانی وجود داشت و هم در تشکیلاتی مانند حزب توده. این روش از روش قبلی گسترده‌تر شد. رسوبات این روش را در آثار کسانی مانند **مرتضی راوندی** به وضوح می‌بینیم. راوندی تحلیلی که از فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و آداب و رسوم ایران به دست می‌دهد، همان آموزه‌های نگرش چپ است. البته راوندی خود عضو سازمان افسران حزب توده بود و تحت تأثیر تحقیقات آکادمی‌های ایران‌شناسی شوروی. البته در تبیین تاریخ‌نگاری شاهنشاهی هم در سال ۱۳۵۰ با آقایان **شیخ‌الاسلامی** و **ایرج افشار** و **اسماعیل پوروالی** همکاری داشت. ولی نگاه ماتریالیستی داشت. دیگر از این تاریخ‌نگاران می‌توان به **باقر مؤمنی** اشاره کرد. تاریخ‌نگاران بسیار دیگری هم بودند که یا معتقد به پیش مارکسیستی و یا متأثر از آن بودند. شاید نمونه‌ی برجسته‌ی قبل از انقلاب این دسته از تاریخ‌نگاران **احسان طبری** باشد در کتاب «**ایران در دو سده‌ی واپسین**» بعدها و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین کتاب را با تصحیح و تغییر نگرشی با عنوان «**ایران در دو سده‌ی واپسین**» منتشر کرد. این دیدگاه ماتریالیستی نیز به نوعی هویت و فرهنگ ما را مورد تعرض قرار داد.

در مورد تاریخ‌نگاری اثر برجسته و قابل‌ذکری نداریم. یک نمونه‌ی افراطی این نوع تاریخ‌نگاری ناسیونالیسم و پان‌ایرانیسم است که به همان تاریخ‌نگاری شاهنشاهی نزدیک می‌شود. گاهی میلیون ممکن است با این شیوه سخنانی گفته باشند، که قابل توجه نیست.

از این موارد نمونه‌های بسیار می‌توان نام برد. تاریخ‌نگاری هم در این دوران، تمجید و تملق از شاه و همین برگزیدگان سرسپردی استعمار و شاه بود. شاید بتوان یکی از علل تنفر از تاریخ را در جامعه، همین میراث تاریخ‌نگاری شاهنشاهی دانست. از اوایل دوره قاجار، روش تاریخ‌نگاری غربی وارد تاریخ‌نگاری ایران شد. به‌ویژه با الگوهایی مانند آثار **سرجان ملکم، ادوارد براون** و... تحت عنوان ایران‌شناسی و شرق‌شناسی، بیشتر شد. این روش سه ضربه به فرهنگ، هویت و اعتقادات ما زد. اولین مسأله این بود که هویت ما را از اسلامیت خارج کرد؛ دومین آسیب، مادی شدن تعریف تاریخ بود، برخلاف این که در فرهنگ ما تعریف از تاریخ معنوی بود و تاریخ برای ما محتوای معنوی داشت. سومین آسیب این بود که روش تاریخ‌نگاری ما تبدیل شد به روشی برای کسانی که شیدا و شیفته‌ی غرب بودند و یا این روش را روش علمی می‌دانستند. اگر بخواهیم نمونه‌ی تشکیلاتی این روش را هم ارائه کنیم، کاری است که فراماسونرها در ادامه‌ی راه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در پیش گرفتند. شرق‌شناسی، خاورشناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی غرب همواره در راستای حرکت استعماری غرب و زیر نظر وزارت خارجه و در سده‌ی اخیر، نفوذ و طرح و برنامه‌های سرویس‌های اطلاعاتی غرب صورت گرفته است. به همین دلیل، شرق‌شناسی یک علم یا روش علمی و پژوهش علمی نبوده و نیست. خصوصاً از سوی انگلستان، هلند، فرانسه و آمریکا. ادوارد سعید، محقق معاصر به دو قدرت رقیب و هم‌دست استعماری یعنی انگلستان و فرانسه اشاره می‌کند که در قرن گذشته آمریکا جانشین آن دو شده است.

نقشه‌های استعمار برای تسلط بر آسیا، آفریقا و خصوصاً خاورمیانه نیاز به شناسایی قدرت و ضعف منطقه داشت و این امر را باید محقق خاورشناس انجام می‌داد. گرچه در ورای حرکت غرب در شرق، نوعی «مسیحیت و اسلام» یا به تعبیر جدید امریکایی‌ها، جنگ دو تمدن اسلام و غرب را دربرمی‌گیرد. کتاب **شرق‌شناسی ادوارد سعید**، از آغاز تا پایان، اعتراضی است بر ضد روش امپریالیستی شرق‌شناسی غرب. قبل از سعید، **محمدالغزالی** مصری، **مریم جمیله** محقق ساکن پاکستان و... به این حرکت‌های استعماری معترض بودند و در نوشته‌های مصلحان، متفکران و اندیشمندان جهان اسلام انتقاداتی دیده می‌شد. خاورشناس هیچ‌گاه به شرق کار نداشت. او حرکتی در انشقاق، شکاف، ایجاد بحران هویت، تغییر هویت، تحقیر ملیت و فرهنگ شرق داشت. با پدید آمدن جریاناتی که در راستای سلطه‌ی استعمار بود، اگر مسأله‌ی

در مرگ جاسوس حرفه‌ای مانند آن لمبتون، سوگوار شوند. همان‌گونه که به ادوارد براون علامه می‌گفتند و در رثای سرپرسی سایکس حماسه‌سرایی می‌کردند.

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی، نه غربی، سلطه، حاکمیت و استعمار غربی را نفی کرد. اگر امروز هم گاهی نغمه‌هایی وجود دارد، در حاشیه‌ی جامعه، فرهنگ و سیاست دیده می‌شود و در درون انقلاب و نظام. و این همه از آموزه‌های انقلاب اسلامی و عبرت‌آموزی از وقایع، جریانات و عملکرد رجال گذشته بود. امام در بیانی خطاب به اقشار مردم فرمودند: «اگر روحانیون، علماء، نویسندگان و روشنفکران متعهد سستی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند، به سر این انقلاب آن خواهد آمد که به سر انقلاب مشروطه آمد». امام معتقد بودند: «همیشه مورخین اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می‌کنند.» این مورخین که امام از ایشان این‌گونه یاد می‌کند همین درس‌آموخته‌های مستشرقین هستند و مدافعان شاهنشاهی. این روند در دوران پهلوی، بیشتر نمود داشت. در این دوران دیگر نسل ادوارد براون، سرپرسی سایکس، یا حسن تقی‌زاده، صادق صادق و... نیستند که تاریخ را می‌نویسند. اکنون نسل اول انقلاب اسلامی هستند که دارای مشاهدات از عملکرد رژیم و ابسته و دارای اسناد و روایات متعدد هستند، و نباید اجازه داد که تاریخ از سوی جریانات معارض وحدت ملی، فرهنگ ملی و اقتدار ملی از مسیر خود منحرف شود. خصوصاً که در طی سی سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، تلاش‌هایی نیز در داخل و خارج کشور در این راستا صورت گرفته است. اما همیشه باید این اصل را به خاطر داشت که: تاریخ روشنگر نسل‌های آینده است و این تاریخی است که برای فرد و جامعه راهبردی و معلم است.

طبیعی است که ما مبانی نظری تاریخ خود را از قرآن گرفته‌ایم و بر این مبنا - همان‌طور که اقبال لاهوری هم می‌گوید - تاریخ یکی از منابع شناخت است. شهید مطهری هم در تبیین ایدئولوژی اسلامی، به تاریخ و جامعه‌شناسی اشاره می‌کند. این مبانی وارد تاریخ‌نگاری اسلامی شد. هرچند ما هنوز در مبانی نظری در گام‌های اول قرار داریم و نظریه‌های تبیین‌شده و مکتوبی در این مورد چندان نداریم. اما زاویه‌ی دید ما قرآنی و دینی است.

دیگر می‌توان به دیدگاه شهید مطهری نسبت به تاریخ و فلسفه تاریخ اشاره کرد. ایشان می‌نویسد: «تاریخ عبارت است از یک جریان» و در کتاب فلسفه‌ی تاریخ به زوایای تاریخ پرداخته است و جریان‌های مختلف تاریخ‌نگاری مانند جریان چپ، راست، غربی، و نیز بینش‌ها و نگرش‌های تاریخی را نقد کرده است.

لذا تاریخ‌نگاری پس از انقلاب اسلامی و در نسل اول، و نیز به نسبت گذشت ۳۰ سال از انقلاب، رشد زیادی داشته است. اما من

چهارمین روش تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری اسلامی است. ما قبل از انقلاب محقق و نویسنده در حوزه‌ی تاریخ معاصر نداشتیم. شاید بتوان در این حوزه از دو نفر: مرحوم شیخ محمد رازی و استاد علی دوانی بتوان نام برد. با پیروزی انقلاب اسلامی که تحولات بنیادین در ابعاد مختلف جامعه روی داد، دستاوردهای قابل‌توجهی پدید آمد که یکی از آن‌ها را می‌توان تغییر در تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نویسی و رشد تاریخ دانست. این امر هم دلایل مختلف داشت. یکی این که رهبر انقلاب کسی بود که هم خود شاهد تاریخ بود و هم بینش تاریخی داشت. این بینش تاریخی رهبر انقلاب اسلامی توجه مجموعه را به تاریخ افزایش داد و تاریخ‌نگاری یا مطالعه‌ی تاریخ را هدفمند کرد. تاریخ در این راستا، برای عبرت‌آموزی، انتقال تجربه، الگوپذیری و مفاهیمی است که در کلام امام خمینی (ره) در تعریف تاریخ به چشم می‌خورد. هنگامی که امام (ره) از تاریخ صحبت می‌کرد، یادآور مضمون وصیت امام علی (ع) به امام حسن (ع) است که فرمود: من تاریخ گذشتگان را آن‌گونه می‌دانم که گویی با آن‌ها زندگی کرده‌ام. گرچه امام (ره) اشاره می‌کردند که دوران مشروطه و اواخر قاجار را به خاطر دارند. توجه امام (ره) به تاریخ سبب شد که شخصیت‌ها و نیروهای مذهبی به تاریخ بپردازند. حتی امام (ره) در پیام چهل‌م شهدای تبریز به تاریخ اشاره می‌کنند و می‌فرمایند که در گذشته به تاریخ چگونه نگاه می‌کردند و امروز باید نگرش ما چگونه باشد. در مجلدات صحیفه‌ی ۲۱ جلدی امام، که صحبت‌های امام است، بیش از ۸۰۰ صفحه در مورد احزاب و گروه‌هاست و بیش از ۶۰۰ صفحه در مورد تاریخ است.

امام خمینی (ره) پیرامون تاریخ و جایگاه تاریخ، به دست آوردن بینش تاریخی در پیام‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها اشاره می‌کنند. عموماً کلمات قصار امام خمینی (ره) در ذهن و اندیشه‌ی جامعه‌ی ما به عنوان معیارهای اصلی جای گرفته‌اند. به عنوان نمونه امام می‌فرمودند: «تاریخ معلم انسان است» در این جا باید به نقش معلم در شکل‌گیری اندیشه و شخصیت فرد توجه کرد. چون کلمات ناقل معانی و مصادیق خود است. در جای دیگر فرمودند: «تاریخ باید سرمشق ما باشد». هر انسانی نیاز به سرمشق دارد تا در مسیر و روش درست حرکت کند. داشتن الگو و سرمشق در حرکت فردی و اجتماعی و با حرکت اسلامی از سال ۱۳۴۱ و پیروزی انقلاب اسلامی، این تحول و تغییر در شکل و محتوا، تا بدان جا دگرگونی پدید آورد که ملت ما تاریخ را تاریخ دگر کرد. این انقلاب نه تنها در شکل حکومت، سیستم و ساختار را دگرگون کرد، که فرهنگ، روش و منش جامعه را تغییر داد. در گذشته سرنویشت جامعه در دست فراماسون‌ها، چپ‌ها، تکنوکرات‌های تحصیل‌کرده‌ی آمریکا و بخشی از مدافعان شاهنشاهی بود. آن چه به عنوان فرهنگ، تمدن و تجدد به جامعه داده می‌شد، آموزه‌های غربی مستشرقان و ایران‌شناسان بود که سبب شد هنوز هم برخی از مدعیان ایران‌شناسی

آقای تبریزی: امام خمینی (ره) پیرامون تاریخ و جایگاه

تاریخ، به دست آوردن بینش تاریخی در پیام‌ها،

سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها اشاره می‌کنند

تاریخ‌نگاری

دکتر رجایی: آقای تبریزی از ظهور تاریخ‌نگاری جدید گفتند. البته من تنها تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب را در نظر گرفتم. درست است که ظهور تاریخ‌نگاری جدید را باید ترجمه‌ی کتاب سرجان ملکم دانست و در این جا بود که دو فرهنگ ایران باستان و ایران دوران اسلامی در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند. حال این عمل یا عاملاً و عامداً بوده و یا متأثر از ناسیونالیسم اروپایی شکل گرفته است. پس از این کتاب‌های نامه‌ی خسروان و آیین‌های سکندری نوشته می‌شوند.

کتاب ماه: قبل از این دوره، جریان آذریوانیه را هم داریم که در این نگاه بی‌تأثیر نیستند.

دکتر رجایی: آذریوانیه جریان نبود و مسلط نشد. یک دوره‌ی کوتاه و در بین اشخاص خاص رواج داشت. نکته‌ی بعد این است که ما تا اواسط دوره‌ی قاجار تواریخ عمومی داریم. در تواریخ عمومی فلسفه‌ی تاریخ با تاریخ آمیخته است و آغاز تاریخ هبوط انسان است. تاریخ پیامبران است، بعد شاهان باستانی و بعد دوران تاریخی. آخرین اثر متعلق به این نگرش، *ناسخ‌التواریخ* است. در این نوع تاریخ‌نگاری نوعی نگاه دینی مستتر است که البته نمی‌توان آن را ایدئولوژیک دانست.

کتاب ماه: این نوع تاریخ‌نگاری در واقع ادامه‌ی یک سنت دیرپاست که گویی آغاز کتاب در آن افتاده است. تا این‌جا تقریباً مبانی نظری تاریخ‌نگاری ایران و انقلاب اسلامی را بیان کردیم و این که از چه پارادایم و روشی تبعیت کرده‌ایم.

با همه‌ی این تفاسیل، آیا در حوزه‌ی انقلاب اسلامی به تاریخ‌نگاری رسیده‌ایم یا خیر؟ هم‌چنین باید به این نکته توجه داشته باشیم که سوای نگرش و رویکرد حاکم بر نوشته‌های تاریخی، می‌توان نگاهی از بیرون نیز به آن داشت. و آن این است که آیا این تاریخ‌نگاری مبتنی بر روایت است یا تحلیل؟ البته آقای تبریزی معتقدند که هنوز وارد مرحله‌ی تاریخ‌نگاری نشده‌ایم.

آقای تبریزی: اگر تاریخ‌نگاری را در سه بعد در نظر بگیریم: روایی، تحلیلی و فلسفه‌ی تاریخ؛ به نظر من بالقوه دارای مبانی نظری هستیم و در عمل هم بر اساس آن می‌نویسیم، اما هنوز این مبانی مکتوب، مدون و تبیین نشده‌اند. در تاریخ‌نگاری روایی بسیار قوی و گسترده عمل کرده‌ایم، هرچند می‌توان به آن انتقاداتی وارد کرد. در تاریخ‌نگاری اسنادی هم رشد خوبی داشته‌ایم. اما در تاریخ‌نگاری تحلیلی هنوز

معتقد آن‌چه امروزه منتشر می‌شود، تاریخ نیست. بلکه مواد و منابع اولیه‌ی تاریخ است. اولین رهاورد را می‌توان انتشار اسناد دانست. در گذشته مورخین ما دچار فقر منابع و اسناد بودند. گاه منابع انگلیسی دست چندم و گاه منابع روسی - که صحت و سقم آن‌ها نیز چندان روشن نبود - در اختیار مورخین بود و هرکسی هم بنا به خط مشی خود می‌نوشت. اما انتشار اسناد از سوی ۱۱ مرکز اسنادی، تقریباً زمینه‌های تاریخ‌نگاری را فراهم آورد. گرچه هنوز مراکز اسنادی هم در قدم‌های اولیه هستند.

در سازمان اسناد ملی بیش از ۲۵۰ میلیون سند وجود دارد؛ در کتابخانه‌ی و آرشیو مجلس شورای اسلامی، بیش از ۸ میلیون سند، وزارت اطلاعات بیش از ۶۰ میلیون سند در اختیار دارد؛ اسناد دربار که در اختیار مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر است، بیش از ۱/۵ فقره میلیون است. و مراکز دیگری مانند وزارت امور خارجه، ریاست جمهوری، دادگستری، ارتش و... و این است که انتشار اسناد زمینه را برای تحقیق آماده می‌سازد و این یکی از منابع در در مآخذ تاریخ‌نگاری است.

موضوع بعدی خاطرات است. چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی. در گذشته خاطره‌نویسی در میان علما و نوشته‌های اسلامی رایج نبود و شاید نوعی ریا تلقی می‌شد. اما پس از انقلاب اسلامی، بنا به ضرورت و نیاز جامعه، خاطره‌نویسی به صورت یک سنت درآمد. البته در خاطرات هم فراز و نشیب‌هایی دیده می‌شود. برخی دچار اغراق شده‌اند و برخی گزینشی نوشته شده‌اند و کمبود و نقص‌هایی دارند. اما در کلیت خود بسیار ارزنده است و این یک میراث بزرگ برای جامعه و نسل‌های آینده است. انتشار مجلات تخصصی تاریخ، در مقایسه با گذشته، گام بسیار بزرگی بوده است و در حد خود نقش تعیین‌کننده در تاریخ‌نگاری ما داشته است و این روند رو به تکامل و گسترش و افزایش است.

نکته‌ی دیگری که قابل ذکر است این است که با همه‌ی فراز و نشیب‌ها و نقص‌ها، آن‌چه منتشر می‌شود معتتم و نویدبخش است و فقر شدید قبل از انقلاب اسلامی را برطرف می‌سازد. هرچند ما در دوران گذشته‌ی تمدن اسلامی دارای مکتب‌های تاریخ‌نگاری بوده‌ایم و تاریخ درسی از دروس حوزه‌ی علمیه بود و شخصیت‌های بزرگی بودند که پس از اتمام مشاغل سیاسی خود، به تاریخ‌نگاری روی می‌آوردند. اما متأسفانه در سه - چهار قرن اخیر، تاریخ هم در حوزه‌ها تعطیل شد و هم در بین سیاسیون.

اما پس از انقلاب اسلامی، در حوزه‌های علمیه درس تاریخ به عنوان یک سنت آغاز شد. و این خود طلیعه‌ی نویدبخش دیگری است.

آقای تبریزی: اگر تاریخ‌نگاری را در سه بعد در نظر بگیریم: روایی، تحلیلی و فلسفه‌ی تاریخ؛ به نظر من بالقوه دارای مبانی نظری هستیم و در عمل هم بر اساس آن می‌نویسیم، اما هنوز این مبانی مکتوب، مدون و تبیین نشده‌اند

تاریخ‌نگاری

دکتر رجبی: من تصور می‌کنم در دوران بعد از انقلاب تاکنون، تاریخ تحلیلی جامع و مانعی نوشته نشده است. اگر هم چیزی دیده می‌شود رونوشت‌هایی از تواریخ مارکسیستی است. این تواریخ بیش از این که مبتنی بر واقعیات و فاکت‌های تاریخی باشند، تحمیل یک نگرش است بر نوشته‌های تاریخی

یادداشت‌های روزانه‌ی ایشان که بعدها منبعی برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی خواهد بود. ایشان براساس یادداشت‌های پس از انقلاب، خاصه سال‌های ۱۳۶۷ - ۱۳۵۸، حوادث و جریان‌ها را ثبت نموده است. گرچه ما در مواردی روایات دیگری از روایان انقلاب داریم.

از موارد دیگر می‌توان به یادداشت‌های روزانه و خاطرات مهندس مهدی بازرگان اشاره کرد. یادداشت‌های روزانه‌ی وی حدود ۱۸ سال را دربرمی‌گیرد و بسیار ارزنده است، اما متأسفانه خاطرات وی مانند یادداشت‌هایش نیست و به این علت است که مصاحبه‌کننده (غلامرضا نجاتی) با هدف خاصی سؤال کرده و به مصاحبه‌کننده جهت داده است که البته در تاریخ شفاهی این امر اجتناب‌ناپذیر است.

از دیگر آثار خوب تاریخ‌نگاری می‌توان به کتاب کژراهه‌ی احسان طبری اشاره کرد. در این کتاب، به تحولات چپ از گروه همت تا حزب توده اشاره شده است. درمقابل خاطرات نورالدین کیانوری، آخرین دبیرکل حزب توده، شاید ۲۰ درصد بیشتر از دانسته‌هایش را گفته باشد. که بعدها به آن خواهیم پرداخت.

کتاب ماه: به هرحال یکی از مشکلات تاریخ شفاهی همین است که گوینده خود را محور را قرار می‌دهد و حوادث و شخصیت‌های دیگر را حول محوریت خود مطرح می‌کند.

دکتر رجبی: من تصور می‌کنم در دوران بعد از انقلاب تاکنون، تاریخ تحلیلی جامع و مانعی نوشته نشده است. اگر هم چیزی دیده می‌شود رونوشت‌هایی از تواریخ مارکسیستی است. این تواریخ بیش از این که مبتنی بر واقعیات و فاکت‌های تاریخی باشند، تحمیل یک نگرش است بر نوشته‌های تاریخی. حتی مورخ بزرگی مانند مرحوم زرین‌کوب، در کتاب تاریخ اسلام خود می‌گوید: تاریخ من روایی - تحلیلی است. نه روایی محض است و نه تحلیلی محض. وی می‌گوید از آن‌جا که تاریخ تحلیلی خشک است و تاریخ روایی فاقد استنتاج، من این دو را تلفیق کردم.

البته باید آدمیت را یک استثنا دانست. به ویژه آثاری که به اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود (افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرشده و منتشرنشده‌ی دوره‌ی قاجار). که نوعی جدید از تاریخ‌نگاری تحلیلی است. البته این روش

ضعف داریم. نه نظریه‌پرداز داریم و نه نظریه‌پردازی کرده‌ایم و نه توانسته‌ایم مکاتب تاریخ‌نگاری بر اساس نیاز زمان تبیین کنیم. منظور من همان حوزه‌ی انقلاب اسلامی است.

کتاب ماه: چه نمونه‌های خوب و بارزی می‌توان از تاریخ‌نگاری روایی و اسنادی نام برد؟

آقای تبریزی: به عنوان مثال در خاطرات منتشرشده‌ی شخصیت‌ها، از نمونه‌های خوب می‌توان خاطرات آقای عزت‌شاهی و نیز حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی را نام برد. مثلاً در مورد خاطرات عزت‌شاهی، هم گفتار نویسنده و هم ویرایش خوب عامل تأثیرگذاری هستند. علاوه بر این که این کتاب وقایع بیش از ۲۲ سال را در برمی‌گیرد. از حدود سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰. هنر عزت‌شاهی این است که کمتر از آن‌چه می‌داند گفته است. اسناد و قضاوت دیگران به این امر شهادت می‌دهند. من گمان می‌کنم اگر اسناد عزت‌شاهی در اختیار وی قرار گیرد، و یک کارشناس بر اساس این اسناد، با وی مصاحبه کند، سخنان جدیدی خواهد داشت. در مورد خاطرات حجت‌الاسلام فلسفی هم، مرحوم استاد علی دوانی زحمت زیادی کشید. اسناد ایشان هم منتشر شده است. با مقایسه‌ی اسناد و خاطرات، تناقضی در کتاب دیده نمی‌شود. ایشان بیش از ۴۰ سال نقشی تعیین‌کننده در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ داشت. یک ویژگی مهم حجت‌الاسلام فلسفی این بود که سرنوشت خود را با مرجعیت پیوند می‌زد. در زمان آیت‌الله بروجردی با ایشان و بعد با امام (ره) کار می‌کرد و دیگران برای وی در ذیل مرجعیت قرار داشتند.

از دیگر خاطرات خوب می‌توان به جام شکسته‌ی حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادی‌خواه اشاره کرد. البته این خاطرات بیش از این که تاریخی باشند، ادبی شده‌اند. ای کاش نگاهی هم به اسناد ملی داشتند.

کتاب ماه: یکی دیگر از انواع خاطرات، خاطرات خودنوشت هستند. مانند خاطرات آیت‌الله علی‌اکبر رفسنجانی.

آقای تبریزی: خاطرات آیت‌الله رفسنجانی دو وجه دارد. یکی

فقط به اهمیت محدود شد و به مکتب تبدیل نگردید.

برای رسیدن به یک تاریخ‌نگاری که بتوان آن را مکتب نامید، باید به چند وجه اشاره کرد: اول این که مورخ به دوره‌ی تاریخی مورد نظر خود اشراف داشته باشد، دوم این که مورخ نظریه‌ی خود را از داده‌هایش برنگیرد، بلکه مبتنی بر پیش‌نظریه باشد. سوم این که قدرت استنتاج داشته باشد. لازمه‌ی استنتاج داشتن یک روح فلسفی است. کارهای خوبی که توسط **دکتر داوری** و **دکتر مجتهدی** انجام شده است، ناشی از تعلق خاطر ایشان به فلسفه است. دیگر این که باید مورخ جدید جامعه‌شناسی و اقتصاد و علم سیاست هم بداند. شاید در گذشته، تنها داشتن فاکت‌های تاریخی برای مورخ کافی بود؛ ولی مثلاً آیا امروز نوشتن تاریخ معاصر ایران بدون توجه به مسأله‌ی نفت، امکان‌پذیر است؟

آقای تبریزی: در این که هرچه به تاریخ معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، ابعاد مورد نیاز تاریخ‌نگاری بیشتر می‌شود شکی نیست. به‌ویژه از دوره‌ی مشروطه به بعد، جامعه‌ی ما هم تحول کیفی می‌یابد و هم کمی. اما من گمان می‌کنم در کنار دانستن مسائل اقتصادی و اجتماعی و... باید به دو نکته هم توجه کرد. یکی بحث استعمار که در تمام تاروپود این مملکت وجود داشته و مطالب را آن طور که مایل بود تفسیر می‌کرد. بخش عمده‌ی جریان‌های تاریخ‌نگاری ما قبل از انقلاب اسلامی، مانند جریان فراماسونری یا افراد منفرد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از استعمار بوده‌اند. بنابراین مورخین ما بدون داشتن بینش اطلاعاتی، سیاسی و امنیتی نمی‌توانند تاریخ بنویسند. شاید این امر در دوران قبل از صفویه مطرح نبود. در سفرنامه‌ی شاردن، کارنامه‌ی **ادوارد براون**، آثار **آن لمبتون**، **سرپرسی سایکس** و... این جهت‌گیری‌های خوبی مشخص است. هریک از این افراد وقتی مأموریتشان در ایران خاتمه می‌یافت، رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه مربوطه‌ی خود می‌شوند. در مورد امریکایی‌های نیز چنین است. **ریچارد کاتم** که ایران‌شناس است و متأسفانه برخی زیاده از حد به آثار او استناد می‌کنند، از همین دسته است. مأموریت وی محرز است. و در اسناد لانه جاسوسی مدارک آن موجود است و نیز بسیاری ایران‌شناسان امریکایی دیگر. کاتم علل کودتای ۲۸ مرداد چنین توصیف می‌کند: خیانت حزب توده و همراهی با شوروی، دربار با مفاسد و دخالت‌هایش، آیت‌الله کاشانی با غرور خود، مصدق با خودخواهی و خودپرستی باعث کودتا شدند. وی هیچ جایی برای آمریکا که خود عامل این کودتا بود، در نظر نگرفته است و نامی از این کشور نمی‌برد.

بسیاری از شخصیت‌های و رجال سیاسی ایران نیز وابستگی‌هایی به برخی محافل خاص داشته‌اند. به عنوان مثال **شاپور بختیار** که ۲۴ سال فعالیت سیاسی داشت، عضو یک گروه فراماسونری در اصفهان بود ولی تاکنون کسی به این نکته اشاره نکرده است. از سال ۱۳۳۱ به بعد هم با لانه جاسوسی امریکا در ارتباط بود. در مورد وی ۳۲ سند مفصل وجود دارد که در جلسات لانه جاسوسی شرکت کرده است. حتی سندی وجود دارد که یک امریکایی می‌نویسد: بختیار در میان مردم پایگاهی ندارد، اشتباه کردید او را برای نخست وزیر انتخاب کردید.

در مورد بسیاری از رجال اسناد فراوان از وابستگی ایشان وجود دارد. این اسناد در لانه جاسوسی و ساواک بوده‌اند. البته باید به یاد داشته باشیم که این گونه اسناد (اسناد سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی) برای تاریخ‌نویسی نیست، بلکه برای عملیات و استفاده‌ی کاربردی است. گذشت زمان این اسناد را به سند تاریخی تبدیل می‌کند. در مورد بسیاری احزاب مانند حزب توده، چریک‌های فدائی خلق ایران هم این مسأله وجود دارد. امام (ره) می‌گفتند که این احزاب از داخل و از مردم برنخاسته‌اند. در مورد احزاب چپ نیز چنین است. ارزش اسناد در روشن کردن این گونه موارد است. امروز از این دست اسناد وارد حوزه‌ی تاریخ‌نگاری شده است.

کتاب ماه: اما منابع و اسناد مکتوب و غیرمکتوب. طبیعی است که دست‌مایه‌ی اولیه‌ی مورخ همین داده‌ها و اسناد تاریخی هستند. از این نظر ما امروز در چه وضعیتی هستیم؟ چه از نظر اسناد، چه مراکز اسنادی و چه آثار منتشرشده‌ی اسنادی.



دکتر رجبی: عمر منابع و مراکز اسنادی در ایران از دو دهه بیشتر نمی‌شود و عمدتاً بعد از جنگ این مراکز تشکیل شده‌اند. بر حسب این که هریک به گردآوری و سازمان‌دهی چه نوع منابعی می‌پردازند، می‌توان آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد. برخی از این مراکز صرفاً به گردآوری اسناد می‌پردازند، مانند مرکز اسناد

دکتر رجبی: عمر منابع و مراکز اسنادی در ایران از دو دهه بیشتر نمی‌شود و عمدتاً بعد از جنگ این مراکز تشکیل شده‌اند. بر حسب این که هریک به گردآوری و سازمان‌دهی چه نوع منابعی می‌پردازند، می‌توان آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد



دکتر رجیبی: ۱۱ مرکز اسنادی با یکدیگر مرکزی به نام
مهتاب تشکیل داده‌اند که در طی جلساتی تجربیات
خود را در آن مطرح و با هم مشورت و تبادل نظر
می‌کنند. عمده‌ی این مراکز بعد از انقلاب اسلامی
تشکیل شده‌اند

تاریخ‌نگاری

دانسته‌هایشان، فکر ایجاد مراکز اسنادی را قوت بخشید.

آقای تبریزی: علیرغم مشکلات و معضلات موجود در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری و انتشار منابع و مأخذ مستند، تأسیس مراکز اسنادی و تاریخ‌پژوهی، گشوده شدن گنجینه‌های اسنادی، به نسبت نیاز و تحقیقات، حرکت‌های خجسته‌ای آغاز شده است. با توجه به محدودیت زمانی، فهرست‌وار بخش‌هایی از کارهایی را که صورت گرفته و امکاناتی که در دسترس است، و نیز احیاناً موارد مغفول را یادآور می‌شوم. از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ به خصوص، پس از پایان گرفتن دفاع مقدس، در عرصه‌های تاریخ‌نگاری حرکت‌های آغاز شد. شاید اولین حرکت از طرف محقق و مورخ معاصر، حجت‌الاسلام سید حمید روحانی بود که مرکز اسناد انقلاب اسلامی را تأسیس و با انتشار کتاب سه جلدی «تهضت امام خمینی» نه تنها گامی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی برداشت که در جمع‌آوری اسناد خصوصی افراد، مراکز اسنادی کشور، منابع و مأخذ، تلاش وسیعی را آغاز کرد و مجله‌ی ۱۵ خرداد را انتشار داد. این مرکز امروز به مدیریت حجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان، یکی از مهم‌ترین مراکز اسنادی، تاریخی و پژوهشی است و تاکنون افزون بر ۵۰۰ اثر منتشر کرده است. (البته نقد برخی آثار منتشر شده، هیچ‌گاه از اهمیت کار و تلاش مجموعه نمی‌کاهد).

دیگر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی است به مدیریت حجت‌الاسلام عبدالمجید معادیخواه که از مبارزان دهه‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ بود و در این مدت، علیرغم مشکلات مالی، فصلنامه‌ی یاد را منتشر کرد و امروز با قدمت ربع قرن توانسته است یکی از مأخذ تاریخ‌نگاری باشد و افزون بر ۱۵ اثر ماندگار، کتاب‌خانه و آرشیو منظمی به وجود آورده است که محل رجوع محققان، مورخان و دانشجویان رشته‌های تاریخ و علوم سیاسی است. تشکیل میزگردهای تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، نه تنها در عرصه‌ی تاریخ انقلاب، که در شناخت حرکت‌های فرهنگی - سیاسی عصر مشروطه و ماقبل مشروطه مؤثر است و پژوهش‌های درخور ستایشی در این زمینه‌های ارائه داده است.

مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر که افزون بر دو میلیون سند دربار پهلوی را جمع‌آوری کرده است، و آرشیو منظمی از مطبوعات عصر مشروطه تاکنون گرد آورده است. این مؤسسه با انتشار فصلنامه‌ی «تاریخ معاصر» و انتشار بیش از ۲۰ عنوان کتاب در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری عصر قاجار، دوران پهلوی و تاریخ انقلاب اسلامی گام‌های

انقلاب اسلامی، برخی به گردآوری اسناد شخصی هم می‌پردازند، مانند مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، برخی وجه پژوهشی هم دارند، برخی فقط اطلاع‌رسانی می‌کنند. برخی کتاب‌های مکمل مرتبط با دوره و موضوع خود را نیز نگهداری می‌کنند. برخی به محصولات سمعی و بصری می‌پردازند. مانند مرکز اسناد انقلاب اسلامی که در کتاب‌خانه ملی ادغام شد. برخی از این مراکز، برحسب این که چه نوع موادی نگهداری می‌کنند، سمت و سوی منطبق با آن‌ها را دارند. مثلاً مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر، چون بیشتر اسناد رجال عصر پهلوی را گردآوری کرده است، بیشتر به دوره‌ی پهلوی می‌پردازد. البته قبلاً بیشتر به دوره‌ی قاجار توجه داشتند. موضوع مطالعه‌ی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به دلیل این که اسناد ساواک را نگهداری می‌کند، دوره‌ی پهلوی است، البته این مرکز دوره‌ی جمهوری اسلامی را هم در برمی‌گیرد.

۱۱ مرکز اسنادی با یکدیگر مرکزی به نام مهتاب تشکیل داده‌اند که در طی جلساتی تجربیات خود را در آن مطرح و با هم مشورت و تبادل نظر می‌کنند. عمده‌ی این مراکز بعد از انقلاب اسلامی تشکیل شده‌اند. چه مراکز داخل ایران و چه خارج از کشور. البته برخی مراکز خارج از کشور زودتر تشکیل شدند، که هدف مشخصی هم داشتند. این مراکز هدف تاریخ‌سازی برای انقلابی را داشتند که تصور می‌کردند در آینده‌ی نزدیک با شکست مواجه خواهد شد و یا به استحاله‌ی سیاسی و فرهنگی دچار خواهد آمد. این مراکز اغلب از ایرانیان مهاجر مخالف نظام، اعم از سلطنت‌طلبان یا احزاب تشکیل شدند. این افراد گنجینه‌ی خوبی در اختیار داشتند که با آن‌ها می‌شد تاریخ شفاهی ترتیب داد. و عمدتاً در امریکا و انگلستان و با برنامه ایجاد شدند.

این مراکز نشریات و مکتوباتی هم دارند. مرکز بازشناسی ایران و اسلام در یک کتاب همه‌ی این مراکز را معرفی کرده است و در کتابی دیگر انجمن‌های سیاسی و ادبی ... را معرفی کرده است. کتابی دیگر نشست‌ها و سخنرانی‌های این مراکز و دیگری کتاب‌شناسی آثار ایشان را ارائه داده است.

مراکز داخل کشور هم عمدتاً در دهه‌ی ۶۰ تشکیل شدند. تا آن زمان مسأله‌ی چون اولین مسأله‌ی کشور بود، اجازه این کار را نمی‌داد و فرصتی برای پرداختن به این مسائل نبود.

شاید یکی از علل تشکیل این مراکز را بتوان شهادت رجال سیاسی انقلاب در صبحدم انقلاب دانست. خلاء این رجال و اطلاعات و

**دکتر رجبی: شاید یکی از علل تشکیل این مراکز را
بتوان شهادت رجال سیاسی انقلاب در صبحدم انقلاب
دانست. خلاء این رجال و اطلاعات و دانسته‌هایشان،
فکر ایجاد مراکز اسنادی را قوت بخشید**

تاریخ‌نگار

آثار این مؤسسه است.^۱ این مؤسسه کتاب‌های متعدد در تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ پهلوی منتشر کرده است و تک‌نگاری‌هایی نیز برای روشن کردن زوایای تاریک تاریخ معاصر داشته است. مؤسسه اخیراً اقدام به انتشار «اسناد لانه جاسوسی» کرده است که در حقیقت توسط «جواسیس سیا» و مأموران سفارت آمریکا تهیه شده بود. در این مجموعه محققان و مورخان می‌توانند تاحدی به عمق و ابعاد دخالت‌های بیگانگان در سرنوشت مملکت، وابستگی رجال سیاسی و درباری به بیگانه و توطئه‌های غرب علیه مملکت و نیز دخالت‌ها و سلطه‌ها در سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ پی ببرند. و باید از کتاب ۳ جلدی سازمان مجاهدین خلق و کتاب سازمان چریک‌های فدائی خلق سه عنوان کتاب در رابطه با حزب توده و نیز طرح روزشمار دوران پهلوی نام برد که از کودتای سوم اسفند ۱۳۹۹ آغاز می‌شود.

مرکز بررسی اسناد تاریخی شاید یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مراکز اسنادی کشور در طی ۱۲ سال گذشته به شمار بیاید. خصوصاً با انتشار بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب درمورد رجال دربار، احزاب و جمعیت‌ها، رخدادها و وقایع، رجال انقلاب اسلامی و... توانست بیش از یکصد هزار سند اطلاعاتی - امنیتی را که اهمیت و دقت بیشتری داشتند، منتشر سازد.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی یکی دیگر از مراکز فعال در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی است. این مرکز را باید دفتر ادب، هنر مقاومت و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی دانست که با مدیریت **هدایت‌الله بهبودی** و مرتضی سرهنگی پایه‌گذاری شد. در مدت ۱۵ سال اخیر، سرهنگی در حوزه‌ی ادبیات مقاومت، دفاع مقدس، ارائه تاریخ جنگ و آثار شهیدان، بسبجیان، فرماندهان و... در صف اول این میدان است. در زمینه‌ی انقلاب اسلامی، راه‌اندازی بخش تاریخ شفاهی انقلاب با انتشار آثار احمد احمد، عزت‌شاهی، حجت‌الاسلام هادی غفاری، حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر محتشمی پور، خانم دباغ، جلال‌الدین فارسی، مرتضی الویری و... حضوری برجسته داشته است. گرچه این مرکز ۱۲۰ خاطره از رجال مختلف در دست انتشار دارد، اما دو کتاب «خاطرات عزت‌شاهی» و «احمد احمد» را به لحاظ تدوین و تنظیم (با ویرایش محسن کاظمی) باید بهترین نوع خاطرات و مستندترین متون دانست. از دیگر آثار این مرکز می‌توان به روزشمار انقلاب اسلامی در ۹ مجلد، روزشمار ۱۵ خرداد در ۲ مجلد و خاطرات رجال انقلاب اسلامی از ۱۵ خرداد - که توسط حجت‌الاسلام حاج شیخ علی باقری تهیه شده

درخور ستایشی برداشته است و با فعالیت در عرصه‌ی الکترونیک، سایت و مجله‌ای تهیه کرده است که برای محققان برون‌مرزی نیز قابل استفاده است. مدیریت آقای **موسی حقانی** در مؤسسه این مرکز را محل رجوع محققان کرده است. آقای حقانی خودد از پژوهشگران و مورخان معاصر است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی: این مرکز در سال ۱۳۷۶ توسط وزارت اطلاعات کشور در راستای ارائه و انتشار اسناد «اطلاعاتی - امنیتی» ساواک تأسیس شد و امروز پس از ده سال با کارنامه‌ای درخشان و قابل ستایش افزون از ۲۰۰ عنوان کتاب اسنادی منتشر کرده است. موضوعات مهم آن عبارتند از:

در وقایع و رخدادهای تاریخی: مدرسه‌ی فیضیه، روزشمار انقلاب اسلامی (۲۵ مجلد)، قیام ۱۵ خرداد (۹ مجلد) و...
در جریان‌ات و احزاب: حزب توده، کنفدراسیون دانشجویان، حسینیه ارشاد، چریک‌های فدائی خلق، حزب دموکرات، حزب ایران نوین (۵ مجلد)، حزب ملیون، حزب مردم و...

رجال عصر پهلوی: دکتر علی امینی، سید ضیاءالدین طباطبایی، مهندس جعفر شریف‌امامی، هوشنگ نهبانندی، اشرف پهلوی، شمس پهلوی، فرح پهلوی، منوچهر اقبال، منوچهر آزمون، پرویز نیکخواه و...
رجال انقلاب اسلامی و یاران امام خمینی (ره): شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، شهید آیت‌الله سیدمحمد بهشتی، شهید آیت‌الله دکتر مفتاح، شهید دکتر باهنر، شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، شهید آیت‌الله حسین غفاری، شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی و...
از مراجع فقیه: آیت‌الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی، آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی و...

از شخصیت‌های برجسته: آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله جواد فومنی، استاد فخرالدین حجازی، جلال آل احمد و...
انتشار اسناد اطلاعاتی - امنیتی در رشد سیاسی و دشمن‌شناسی، موضوع‌شناسی، شناخت نیمه‌ی ناگفته و نانوشتی‌ی جریان‌ات و رجال مؤثر در تدوین و تحلیل تاریخ می‌تواند نقش برجسته‌ای داشته باشد.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با برگزاری نشست‌ها و همایش‌های تخصصی و استفاده از اسناد وزارت امور خارجه، اسناد ملی، اسناد ساواک، اسناد دربار، اسناد دادگستری و... در تدوین کتب تاریخی نوآوری داشته و گام‌های ارزنده‌ای برداشته است. انتشار خاطرات فردوست که تاکنون بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده است، از مهم‌ترین



محتوای تاریخی است مانند صحیفه‌ی نور، که در دو بعد تاریخی و بینش تاریخی باید موردنظر محققان و مورخان انقلاب اسلامی قرار گیرد. این صحیفه در ۲۱ مجلد تنظیم و منتشر شده است. ۲. کتاب‌های تک‌نگاری پیرامون امام، شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، مرحوم حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، مرحوم آیت‌الله سیدمرتضی پسندیده و... ۳. تحلیل محققان و مورخان معاصر پیرامون نهضت امام، انقلاب اسلامی، مبانی رهبری و... ۴. تدوین و نشر کتب پیرامون ولایت فقیه و حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره). بدون تردید، مسئولیت، جایگاه و موقعیت دفتر نشر آثار امام خمینی (ره) بالاتر از آن است که تاکنون انجام داده است. خصوصاً بیش از ۶۰۰,۰۰۰ نامه و سند را جمع‌آوری و هزاران سند ساواک، شهربانی، دادگستری، ارتش و... را به صورت آرشیو نگهداری می‌کند و توانسته است پایان‌نامه‌ها، مجلات و مطبوعات جهان را که پیرامون انقلاب اسلامی و امام مطالبی داشته‌اند، به دست آورد. امروز بررسی، تحلیل، تحقیق، تدوین کتب تاریخی پیرامون امام و انقلاب اسلامی در سطوح مختلف از جمله وظایف این دفتر است. خصوصاً در نوشته‌های تاریخی و برخی نقل قول‌های نادرست به نام امام منتشر می‌شود که بعدها برای مورخان به عنوان یک ابهام، تناقض تلقی می‌شود. این مؤسسه دارای دو مجله حضور و متین نیز هست که صبغه‌ی تاریخی دارند.

مؤسسه اطلاعات: این مؤسسه در طی سه دهه‌ی واپسین در نشر کتب، خصوصاً کتاب‌های تاریخی موفق بوده. ترجمه خاطرات رجال سیاسی دربار، رجال سیاسی کشورهای مختلف در رابطه با ایران، بررسی و تحلیل‌ها از انقلاب اسلامی، صدور انقلاب توسط محققان، تک‌نگاری‌هایی پیرامون: فدائیان اسلام، سید جمال‌الدین اسدآبادی و... از جمله کارهای درخور ستایش این مؤسسه است.

مؤسسه کیهان: این مؤسسه نیز دفتر پژوهش‌های فرهنگی تأسیس کرده و با استفاده از آرشیوی غنی، شامل پرونده مطبوعات قبل و دوران انقلاب اسلامی، افزون بر ۳۰ عنوان کتاب در مورد رجال عصر پهلوی منتشر کرده است.

بنیاد شهید: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنابر وظایف محوله، در عرصه‌های تاریخ‌نگاری انقلاب و چهره‌های انقلاب اسلامی مسئولیتی سنگین دارد و به نسبت جایگاه و وظایف آن باید گفت هنوز در پیچ‌وخم‌های اول است. اما به لحاظ کارهای منتشرشده در دهه‌ی ۶۰ مجموعه‌های بسیار خوبی منتشر کرد و از سال‌های ۱۳۸۰، بار دیگر فعالیت‌های فرهنگی - تاریخی خود را شناخته و گاهنامه یاران شهید را منتشر ساخته که تاکنون بیش از ۲۶ شماره آن انتشار یافته است. هریک از شماره‌های این گاهنامه ویژه‌ی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ

و بیش از ۱۰ دفتر را دربرمی‌گیرد - اشاره کرد. از دیگر آثار آن می‌توان به دایره‌المعارف «ناموران معاصر» ایران اشاره کرد که تاکنون دو مجلد آن منتشر شده است و بنا به دلایلی کار متوقف شده است.

دفتر مطالعات تدوین تاریخ ایران: این دفتر توسط عباس سلیمی نمین در سال‌های ۱۳۸۰ تأسیس شد. سلیمی قبل از آن به عنوان فعال سیاسی - فرهنگی در نهادهای انقلابی - فرهنگی حضور داشت. از سال ۱۳۸۰ این مرکز را با هدف «نقد و بررسی و تحلیل کتب تاریخی» تأسیس کرد. درحقیقت باید هنر سلیمی و یارانش را «نقد مستندنویسندگان تاریخی» دانست. سلیمی بیش از ۱۱۰ عنوان کتاب را تاکنون نقد و بررسی کرده است. حاصل کار این دفتر به صورت بولتن و لوح فشرده ارائه می‌شود. و تاکنون تنها ۲ جلد کتاب در نقد و بررسی خاطرات آیت‌الله منتظری را منتشر کرده است.

موزه عبرت: این موزه در مکان «کمیته مشترک ضدخرابکاری» و زندان مخوف عصر پهلوی (پدر و پسر) تأسیس شد و امروزه یکی از مهم‌ترین موزه‌های دیدنی و تاریخی است. این موزه با مدیریت مناسب و برنامه‌ریزی منطبق با نیاز روز، در شکل موزه، سالانه ده‌ها هزار بازدیدکننده دارد. موزه در حوزه‌ی تاریخ شفاهی فعال است و تاکنون ۱۲۰ خاطره به صورت تصویری - صوتی از زندانیان همین مکان تهیه و ۶ عنوان کتاب نیز منتشر کرده است. از دیگر فعالیت‌های این مرکز تأسیس کتابخانه تخصصی تاریخ، راه‌اندازی فروشگاه تخصصی تاریخ معاصر، تهیه فیلم و برنامه‌های تاریخ سیاسی است. موزه عبرت هم در نشان دادن تاریخ سال‌های پایانی رژیم پهلوی موفق بوده و هست و هم در راه‌اندازی «دالان تاریخ» که امید است تا پایان ۱۳۸۸ افتتاح شود. این دالان سیری از کودتای انگلیسی ۱۳۹۹ تا فروپاشی رژیم پهلوی را به صورت تندیس، سند، عکس و تحلیل ارائه می‌دهد.

دفتر تبلیغات اسلامی قم: این دفتر از اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ تشکیل شد. و تاکنون کتاب‌های متعددی در زمینه‌ی رجال روحانی، مراجع و چهره‌های برجسته‌ی فرهنگ، علم، سیاست، عرفان، دین و... منتشر کرده است. فصلنامه‌های این دفتر عموماً دارای محتوای تاریخی و رجال هستند.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره): یکی از مراکز مهم تاریخی - فرهنگی است. این مرکز به نشر آثار امام خمینی (ره) می‌پردازد. امام خمینی (ره) علاوه بر جایگاه والا به عنوان مرجع، فقیه، عارف معارف اسلامی و مفسر قرآن، در عرصه‌های سیاست و تاریخ و حکومت نیز در قلمرو نظری و عملی قابل تأمل و بررسی است. در این زمینه آثار متعددی از سوی مؤسسه انتشار یافته است که می‌توان آن‌ها را در ۵ بخش تنظیم کرد. ۱. مبانی عقیدتی - سیاسی که دارای

علیرغم مشکلات و معضلات موجود در عرصه‌ی

تاریخ‌نگاری و انتشار منابع و مآخذ مستند، تأسیس

مراکز اسنادی و تاریخ‌پژوهی، گشوده شدن

گنجینه‌های اسنادی، به نسبت نیاز و تحقیقات،

حرکت‌های خجسته‌ای آغاز شده است

تاریخ‌نگاری

زمان آن رسیده است که نام رجال انقلاب و نیز وقایع در دایره‌المعارف‌ها وارد شود. اسناد جمع‌آوری شده‌اند و این کار هنوز هم ادامه دارد و هم‌زمان به دوره‌ی بهره‌برداری از اسناد هم رسیده‌ایم

تاریخ‌نگاری

انقلاب اسلامی است، مانند: آیت‌الله سید محمود کاشانی، آیت‌الله شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، شهید عراقی، شهید اندرزگو و... مجموعه‌ی کتب در سطح عمومی و خاطره‌نویسی را باید جزو کارهای اولیه این بنیاد دانست.

فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر: این فصلنامه در اوایل دهه ۱۳۷۰ توسط محقق، مترجم و نویسنده برجسته، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی منتشر شد و افزون بر ۳۷ شماره در دسترس محققان قرار گرفت. متأسفانه به دلیل مشاغل رسمی، جامعه‌ی تاریخی از ادامه این فصلنامه محروم شد. ولی محتوای آن خود تاریخی شد.

خصوصاً که حجت‌الاسلام خسروشاهی با تاریخ معاصر به خوبی آشنایی دارد. تحقیقات ایشان پیرامون سید جمال‌الدین اسدآبادی افزون بر ۱۵ جلد است و در نشست‌ها، همایش‌ها، ویژه‌نامه‌ها و... عموماً خاطرات و تحقیقات ایشان یکی از متن‌های خواندنی است.

دایره‌المعارف‌ها: حرکت دایره‌المعارف نویسی به لحاظ کیفیت و کمیت در حال رشد و گسترش است. مدخل‌های ایران، اسلام، تاریخ ایران و تاریخ معاصر در آن‌ها لحاظ شده و می‌شود. از اولین دایره‌المعارف‌ها باید دایره‌المعارف بزرگ اسلامی را نام برد. به مدیریت سیدمحمدکاظم بجنوردی از مبارزان سیاسی انقلابی دهه‌ی ۱۳۶۰ - ۱۳۴۰ و مدیر برجسته‌ی فرهنگی. گرچه ایشان متأسفانه به مدخل‌های رجال معاصر بین ۴۰ - ۲۵ سال گذشته نپرداخته‌اند یا به وقایع چهار دهه‌ی اخیر. ولی به هر صورت، آن‌چه می‌آید و خواهد آمد، نویدبخش کار عمیق و دقیق تخصصی و تحلیلی است. تاکنون ۱۵ مجلد از این دایره‌المعارف منتشر شده است. مجموعه دایره‌المعارف ایران نیز زیر نظر آقای بجنوردی مدیریت می‌شود و تاکنون ۲ مجلد آن منتشر شده است. دانشنامه‌ی جهان اسلام به مدیریت دکتر غلامعلی حداد عادل، که از حرف «ب» آغاز شده و تاکنون ۱۲ مجلد آن انتشار یافته است. در این دانشنامه به مدخل انقلاب و تاریخ معاصر به خوبی پرداخته شده است. دایره‌المعارف تشیع به مدیریت دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی تاکنون ۱۳ مجلد را انتشار داده است و بیشتر به رجال معاصر و متأخر پرداخته است. این دایره‌المعارف مختصر، نافع و پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای مورخان خواهد بود.

برخی شخصیت‌ها خود به طور مستقل کار کرده و می‌کنند. ابتدا باید از محقق و مورخ نامی معاصر تاریخ اسلام و ایران آیت‌الله حاج شیخ علی دوانی نام برد. شخصیت ایشان نیاز به معرفی ندارد و هر مورخ و محقق تاریخ اسلام و ایران به آثار وی نیازمند است. در زمینه‌ی تاریخ انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۴۱ کتاب «نهضت دوماهه‌ی روحانیت» را در موضوع لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی منتشر کرد که از سوی ساواک توقیف شد. بار دیگر این کتاب در سال ۱۳۴۶ تجدید چاپ شد که ساواک به دنبال ناشر و پخش‌کننده‌ی آن بود. در اوایل انقلاب نیز کتاب ۱۱ جلدی «نهضت روحانیون» را تدوین کرد. این مجموعه از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی را دربرمی‌گرفت. تک‌نگاری‌هایی نیز در مورد شهید مطهری، امام خمینی (ره)، خاطرات ۲ جلدی خود با نام «حاصل عمر» و مقالات متعدد در همایش‌ها و مطبوعات دارد.

حجت‌الاسلام سید حمید روحانی که با انتشار کتاب «نهضت امام خمینی» در سال ۱۳۵۶؛ از اولین پژوهندگان تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

حجت‌الاسلام رسول جعفریان با تک‌نگاری‌هایی پیرامون تاریخ، اندیشه‌ی سیاسی، مشروطیت و نیز کتاب ارزشمند «جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی - مذهبی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)» که تاکنون ۹ بار تجدید چاپ شده است، و هربار ویرایش جدیدی در آن صورت گرفته است، از محققان حوزه‌ی تاریخ انقلاب اسلامی است.

استاد دکتر محمد رجیبی، بیش از آن که خود مورخ باشد، در «جریان‌شناسی» تاریخ معاصر در سال‌های ۱۳۵۸ - ۱۳۶۲ کلاس‌ها و درس‌های عمیق داشته است که حاصل آن تربیت پژوهشگران تاریخ بود. متأسفانه ایشان در عرصه مدیریت سیاسی - فرهنگی فرصت تدوین کتاب نیافتند اما مقالات و حضور ایشان در همایش‌ها هم‌چنان ادامه دارد.

محقق و پژوهنده‌ی پرتلاش دکتر محمدحسن رجیبی مؤلف کتاب «زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)» که تاکنون ۵ بار تجدید چاپ و ویرایش شده است، و کتاب علمای مجاهد، که در حقیقت نشان دادن خط مبارزاتی علمای بزرگ در جهان اسلام علیه استعمار و استبداد است و کتاب «نامه‌های سیاسی» که مأخذ و منبع مورخان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران است.

حجت‌الاسلام علی ابوالحسنی از پژوهشگران فعال در عرصه‌ی تاریخ معاصر، دوران مشروطه، دوران پهلوی و انقلاب اسلامی است که حضوری فعال در مطبوعات، رسانه‌ها و انتشار کتاب دارد.

حجت‌الاسلام ابوالفضل شکوری، از همکاران بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی و فصلنامه یاد است.

طبری، نورالدین کیانوری و ایرج اسکندری را می‌توان واقع‌گرایانه‌تر دانست. به ویژه کتاب «کژراهه» طبری را. کتب رهبران احزاب و حزب توده نیاز به بحث و بررسی مستقل دارد.

کتاب ماه: مراکز تاریخ شفاهی در چه وضعیتی هستند؟



آقای تهریزی: تاریخ شفاهی یکی

از رشته‌های علوم انسانی است که در چهل سال اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است و در ایران، در سه دهه‌ی واپسین پس از سقوط رژیم پهلوی، تحولات فکری و سیاسی، توجه به تاریخ‌نگاری و تاریخ شفاهی، اسناد، خاطرات، زندگی‌نامه، وقایع‌نگاری و جریان‌شناسی... مورد توجه عام و خاص جامعه قرار گرفت و در دهه‌ی واپسین این حرکت سیر تصاعدی یافت.

تاریخ شفاهی ایران ابتدا توسط رادیو بی‌بی‌سی در اوائل انقلاب آغاز شد. با اهدافی که لندن همیشه داشته و این رادیو دارد. سپس توسط دانشگاه هاروارد با طرح جمع‌آوری خاطرات رجال عصر پهلوی، سرعت بیشتری گرفت. در ایران نیز از سوی مراکز پژوهشی و نیز اشخاص منفرد گسترش یافت. اکثر قریب به اتفاق آنچه منتشر شده است، دارای گرایش‌های خاص سیاسی و فکری بوده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.

مصاحبه با تاریخ شفاهی تفاوت‌هایی دارد: تفاوت عمده مصاحبه مطبوعاتی با تاریخ شفاهی در این است که در مصاحبه مطبوعاتی، مصاحبه‌گر به طرح مسائل سیاسی روز، درگیری‌های جاری و آنچه به نظرش مهم می‌رسد می‌پردازد. اما در تاریخ شفاهی مصاحبه‌گر به وقایع و رخدادها اشراف دارد و قصد او تنها بیان واقعیات تاریخی و کنکاش از ناگفته‌ها و روشن کردن زوایای تاریک تاریخ است. آنچه از تاریخ شفاهی حاصل می‌شود، با گذشت زمان نه تنها ارزش خود را از دست نمی‌دهد بلکه اهمیت بیشتری هم می‌یابد.

خاطرات خودنوشت هم بخشی از تاریخ شفاهی است. در این نوع خاطرات اغلب دیده می‌شود که شخص: ۱. بر اساس سلیقه‌ی خود عمل می‌کند ۲. کارهای خود را مهم می‌شمارد ۳. بر نقاط قوت خود تأکید دارند ۴. تحلیل و نگاه او شخصی است ۵. از مسائلی که گذشته، کارنامه و اندیشه‌اش را به چالش می‌کشد، اجتناب می‌کند ۶. از یاران و دوستان خود برای تبرئه خود دفاع می‌کند و یا آنان را نقد می‌کند ۷. به شیرینی و برجستگی مهم گذشته خود و تعلقات خود می‌اندیشد. عمده‌ی خاطرات رجال عصر پهلوی با این خصوصیات نوشته شده است. خصوصاً پس از انتشار اسناد و روشن شدن وابستگی‌ها و خیانت‌ها... این موضوع را در رابطه با حزب توده ایران هم داریم.

اما هنگامی که تاریخ شفاهی از طریق مصاحبه انجام می‌گیرد عکس این موارد را شاهد هستیم. تاریخ شفاهی باید توسط افراد متخصص تهیه و تدوین شود و ویژگی‌های زیر را داشته باشد: ۱. انتقاد

افرادی که در بالا نام بردیم، پژوهشگران داخلی و مدافع نظام هستند. عده‌ای نیز به طور شخصی در خارج از کشور و یا با دیدگاه‌های دیگر به تألیف در زمینه‌ی انقلاب اسلامی و دوران پهلوی پرداخته‌اند. از جمله **خسرو شاکری** که تحلیل آثار وی نیاز به بحثی مستقل دارد. چراکه آثار وی در دهه‌ی ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰ با آثار جدیدش کاملاً متفاوت است. نوشته‌های **همایون کاتوزیان** باید هریک به طور مستقل ارزیابی شود چراکه آثار او نیز دارای فرازونشیب و پراکندگی فراوان است. آنچه در نشریات چاپ در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۸۶ در اروپا به چاپ می‌رسد، نوعی دلمشغولی است و بیش از آن که تاریخی باشد، سیاسی و جناحی درون چاپ است. از گذشته نیز در تاریخ‌نگاری چاپ باقر مؤمنی صاحب آثاری بوده و از متخصصین چاپ بوده و هست. او بیش از آن که تاریخ بنویسد، تاریخ می‌سازد. مرتضی راوندی از دیگر مورخان چاپ است که آثار او را باید ادامه‌ی تحقیقات آکادمی مسکو دانست. آنچه به عنوان تاریخ اجتماعی ایران از او منتشر شده است، تحقیقات علمی و تاریخی نیست، بلکه مطالبی توصیفی و مباحثی از پیش تعیین شده است که به صورت کتاب ارائه شده است خصوصاً با نگرش مادی.

مسئلاً هریک از این موارد اخیر نیاز به تحلیل مستقل و مستندات این نظریه دارد تا مشخص شود که ایشان چگونه در چارچوب مارکسیسم زندانی شده‌اند و با نگاه ماتریالیستی به همه اشخاص و جریان‌ها می‌نگرند.

به هر حال زمان آن رسیده است که نام رجال انقلاب و نیز وقایع در دایره‌المعارف‌ها وارد شود. اسناد جمع‌آوری شده‌اند و این کار هنوز هم ادامه دارد و هم‌زمان به دوره‌ی بهره‌برداری از اسناد هم رسیده‌ایم. کار دیگری در شهرستان‌ها و استان‌ها با عنوان دایره‌المعارف منطقه‌ای شروع شده است که بسیار ارزنده است و البته آسیب‌هایی هم دارد. ما برای شناخت تاریخ ملی، نیاز به تاریخ محلی داریم. البته گاهی غلوها و افراط‌های قوم‌گرایی دیده می‌شود که از آسیب‌های این مسأله است و در جای خود نیاز به بررسی، تحلیل و ارزیابی دارد.

اما در داخل و خارج از کشور تاریخ‌نگاری چاپ بیش از جریان‌های دیگر (به جز جریان داخل نظام) فعال بوده و هست. اما منفعل. بخصوص پس از شکست سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک در ایران و جهان. مشکل عمده‌ی این جریان، عدم صداقت در بیان وقایع و رخدادهاست. این روش نه تنها تناقض با حقایق و واقعیات را به دنبال دارد که به نوعی روایت ناصحیح دادن به مخاطبان است. گرچه انتشار بخش قابل توجهی از این مشکل را حل کرده و روایات متضاد از درون چاپ توانسته است این نقیصه را برای نسل حاضر که خود شاهد و حاضر در صحنه‌های سیاسی (۱۳۲۰ - ۱۳۶۰) بوده، حل کند؛ ولی به هر صورت آنچه مثلاً در خاطرات کنفدراسیون حمید شوکت ارائه می‌دهد نوعی فرار از واقعیات است. چه خاطرات خان‌باباخان تهرانی یا کوروش لاشائی و محسن رضوانی چه تاریخچه‌ی کنفدراسیون. دقیقاً مانند اثر حمید احمدی «ناخدا انور» در خاطرات شفاهی و یا تدوین خاطرات بنی‌صدر. همه به دنبال تبرئه‌ی خود و جریانی هستند که وابسته به آن بودند.

از دیگر کارها می‌توان به داستان موریانه اثر بزرگ علوی اشاره کرد. کسانی که بزرگ علوی را می‌شناسند به فعالیت‌های وی بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۷۰ آشنا هستند. اما خاطرات مریم فیروز، احسان

۲. نقض ۳. رد ۴. تخطئه ۵. سوالات اساسی ۶. ابهام‌زدایی از تاریخ ۷. بیان‌ناگفته‌ها و مطالبی که دیگران نگفته‌اند یا نمی‌خواهند بگویند، حتی راوی.

برای دستیابی به این اهداف مصاحبه‌کننده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱. تخصص در موضوع ۲. سلیم‌النفس و دارای اخلاق حسنه ۳. عادل و باانصاف در ارائه مطالب ۴. اشراف به شخصیت مصاحبه‌شونده و مسائل جانبی

محافل تاریخ شفاهی در خارج از کشور

در اروپا و آمریکا، از اوائل دهه‌ی ۱۳۶۰ تاریخ شفاهی ایران توسط مراکز دانشگاهی، جریانات سیاسی فکری آغاز شد و از سوی مراکز غربی مورد حمایت قرار گرفت، و حتی متن‌ها قبل از انتشار مورد استفاده‌ی سرویس‌ها قرار می‌گرفت. آن چه می‌توان تا کنون از مراکز تاریخ‌نگاری و انتشار خاطرات نام برد:

۱- مرکز تاریخ شفاهی یهود، با مدیریت خانم **هما سرشار**، که با انتشار فصل‌نامه و کتب تاریخی و اهداف صهیونیستی و دولتی فعالیت دارند.

۲- مرکز تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد و بیش از ۱۵۰ خاطره از رجال درباری و سیاسی منتشر و تعداد نامعلومی بصورت محرمانه نگهداری می‌شود! مسلماً جنبه‌ی سیاسی و اهداف آمریکایی‌ها لحاظ می‌شود.

۳- مرکز تاریخ شفاهی دانشکده‌ی علوم اجتماعی در هلند، با مدیریت **حمید احمد** (ناخدا انور) از اعضای سازمان افسران حزب توده، پناهنده به افغانستان (۱۳۶۱) و مسکو فعلاً ساکن آلمان است. ایشان هم در آثارشان نوی گریز از واقعیت است.

۴- مرکز تاریخ شفاهی مستشاران آمریکایی در ایران، توسط ارتش آمریکا که اطلاع درستی از آن نداریم.

۵- تاریخ شفاهی زنان ایران، با مدیریت خانم **مهناز افخمی**، رئیس سازمان زنان (۱۳۴۵-۱۳۵۷)

۷- مرکز تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی-اروپا - آمریکا با مدیریت **حمید شوکت** - مستقل بحث خواهیم کرد. آن چه در سه عنوان کتاب آمده است، با اسناد و واقعیات منطبق نیست.

۸- مرکز تاریخ شفاهی مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی - مؤسسه‌ی اشرف پهلوی... در آمریکا با مدیریت علمی **احسان یارشاطر**، **سید حسین نصر** و... که کار عمده‌ی آن‌ها فعلاً انتشار «ایران نامه» است.

در این‌جا مناسب می‌دانم از تحقیقات یکی از مورخان و پژوهندگان معاصر که لطف کردند و یادداشت‌های خود را در اختیار من گذاردند، تشکر کنم. ایشان به صورت تفصیلی برخی نهادها و مراکز فرهنگی - تاریخی جریان سلطنت‌طلب، چپ، ماسونری، وابسته به غرب... در اروپا و آمریکا پیرامون تاریخ و فرهنگ ایران کار می‌کنند در اختیار من گذاشتند. گرچه برخی از این شخصیت‌ها و نهادها را دیده بودم، ولی با توجه به یادداشت‌های ایشان به چند مورد اشاره می‌کنم:

۱- **بنیاد تاریخ شاهنشاهی**: این بنیاد توسط **شجاع‌الدین شفا**، مسئول فرهنگی دربار پهلوی در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ در اروپا تأسیس شد و با همکاری سلطنت‌طلبان بیش از ۱۴ جلد کتاب علیه اسلام و انقلاب اسلامی منتشر کرده است.

۲- **بنیاد کیان**: این بنیاد در سال ۱۳۶۵ توسط اشرف پهلوی و طیف مدافعان سلطنت در کالیفرنیا تأسیس شد و دارای کتاب‌خانه و نشریه است. از فعالان آن **جلال خالقی مطلق**، **ذبیح‌الله صفا**، **محمدعلی همایون کاتوزیان**، **حشمت مؤید** و... هستند که مدتی فصلنامه‌ی ایران‌شناسی را منتشر می‌کردند.

۳- **بنیاد کوی**: این بنیاد در سوئیس و توسط **دکتر پروین** که متخصص مطبوعات ایران در عصر مشروطه است، تأسیس شد و دارای کتاب‌خانه مجهز است و علاوه بر حوزه‌ی مطبوعات در موضوعات تاریخی نیز فعالیت دارد.

۴- **دانشگاه آقاخان اسماعیلیه**: در کراچی پاکستان به ریاست یک کانادایی تبار، در رشته تاریخ اسلام و جهان اسلام تحقیق می‌کند. این دانشگاه در لندن و قرقیزستان نیز شعبه دارد. روند حرکت اسماعیلیه در راستای سیاست غرب، به‌ویژه انگلستان است.

۵- **بنیاد شاه اسماعیلی ختایی**: این بنیاد در سال ۲۰۰۳ توسط جمهوری آذربایجان و عده‌ای از روشنفکران سابق حزب کمونیست و مدافعان امروز پان‌تورانیسم و پان‌ترکیسم تأسیس شد. روند کتاب‌ها و منشورات آن در جهت قوم‌گرایی و شوونیسم و ایجاد فاصله در جهان اسلام است.

۶- **عباس میلانی**: وی فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از آمریکا، عضو کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا و عضو سازمان انقلابی حزب توده بود که در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰ به ایران آمد. وی مدتی زندانی بود سپس با عفو خاصی به دانشگاه تهران برای تدریس راه یافت. میلانی پس از انقلاب، به آمریکا بازگشت و به تدریس پرداخت. از وی قبلاً چند مقاله منتشر شده بود. کتاب «معمای هویدا» که خود معمای خاصی دارد، چراکه میلانی مدافع هویدا و به دنبال تبرئه‌ی وی است، به لحاظ سیاسی جای تأمل است. محتوای کتاب، نشانگر پیش‌داوری در تبرئه‌ی هویداست. شخصیت هویدا مبهم نبوده، خصوصاً که اخیراً با انتشار اسناد ساواک^۱ و اسناد رجال عصر پهلوی، بخش قابل توجهی از تحلیل کتاب خدشه‌پذیر شده است. از مصاحبه اخیر میلانی چنین برمی‌آید که ایشان به دنبال تدوین کتاب «معمای محمدرضا پهلوی» است. مسلماً آن کتاب هم باید با اغراض سیاسی باشد نه یک متن مستند تاریخی. ایشان هم‌چون برخی نویسندگان تاریخ معاصر ایران، بدون توجه به اسناد، خاطرات و... به تحلیل تاریخی و سیاسی می‌پردازد (هم‌چون رجال سیاسی - نظامی / نوشته‌ی **باقر عاقلی** / تهران / ۳ مجلد) و آثار **دکتر محمود طلوعی** و **دکتر علی بهزادی** و... که عموماً فاقد ارزش تاریخی و مستندات هستند. نکته‌ی مهم در این‌گونه نوشتارها این است که از آن‌ها باید به عنوان یادنامه و تجلیل‌نامه و ... یاد کرد. بدون تردید، «زندگی قوام السلطنه» نوشته‌ی **حمید شوکت** را هم باید در همین راستا تحلیل کرد.

نقدی بر تاریخ شفاهی هاروارد

حبیب‌الله لاجوردی در مقدمه‌ی کتاب «خاطرات مهندس جعفر شریف امامی» پیرامون روش، هدف، کارنامه‌ی هاروارد در مرداد ۱۳۷۸ می‌نویسد: «خاطرات طی نه ساعت در سه جلسه در سال ۱۳۶۱ در نیویورک صورت گرفت. آن چه به عنوان تجلیل و نقل قول شریف امامی آورده، بدون تردید جای نقادی دارد. خاصه موضوعاتی



پس از انقلاب اسلامی، ضرورت تاریخ شفاهی هم برای مخالفان و هم موافقان نظام، نمایان شد و هردو گروه کوشیدند تا با ضبط و ثبت و انتشار اسناد و خاطرات شخصیت‌ها و رجال سیاسی، نظامی و فرهنگی و امنیتی مهم، ابعاد ناگفته‌ای از تاریخ دوران پهلوی دوم و انقلاب اسلامی را بیان کنند و زمینه‌ی تاریخ‌نگاری جامع دوره‌ی انقلاب را فراهم آورند

تاریخ‌نگاری

جهت‌گیری‌های فراوان دارد و مصاحبه‌کننده به راوی جهت داده است و از بسیاری مسائل مهم غافل شده است.
۳. خاطرات شفاهی عزت‌شاهی که توسط محسن کاظمی تهیه و تدوین شده است و به نظر می‌رسد یکی از موفق‌ترین خاطرات باشد. البته محسن کاظمی با همه هنرمندی در تدوین این کتاب، در تدوین و ارائه‌ی پاورقی‌ها از حدود وظایف گذر نکرده و به اصل وفادار مانده است. البته کسانی که عزت‌شاهی را می‌شناسند معتقدند که او بسیاری از مسائل را نگفته است. اگر اسناد وی در اختیارش قرار گیرد، ناگفته‌ها و حرف‌های جدید بسیاری خواهد داشت.

دکتر رجبی: منابع و اسناد انقلاب اسلامی را از حیث فیزیک مواد می‌توان به دو دسته مکتوب و غیرمکتوب تقسیم کرد. منظور از مواد مکتوب، مواد نوشته شده، خواه به صورت دستی یا چاپی است که شامل کتاب‌ها، نشریات، اسناد و مدارک و پایان‌نامه‌ها می‌شود. مواد غیرمکتوب شامل تصاویر، عکس‌ها، نقشه‌ها، فیلم‌ها و سایر مواد الکترونیک است. مراکز اسنادی و پژوهشی انقلاب اسلامی هم بر حسب آن که چه نوع موادی را نگهداری می‌کنند، سازماندهی و اطلاع‌رسانی متفاوت دارند. برخی مراکز صرفاً به نگهداری یک نوع مواد (مثلاً اسناد یا کتاب) می‌پردازند و برخی دیگر تقریباً همه نوع مواد را نگهداری، سازماندهی و اطلاع‌رسانی می‌کنند. ده‌ها نوع از این مراکز در ایران، اروپا و آمریکا هم‌اکنون فعالیت دارند که بسیاری از آنان دارای سایت هستند و فعالیت‌های خود را به عرصه‌ی نمایش می‌گذارند. از آن‌جاکه آقای تبریزی به نام این مراکز اشاره کردند، من از معرفی آن‌ها می‌گذرم.

پس از انقلاب اسلامی، ضرورت تاریخ شفاهی هم برای مخالفان و هم موافقان نظام، نمایان شد و هردو گروه کوشیدند تا با ضبط و ثبت و انتشار اسناد و خاطرات شخصیت‌ها و رجال سیاسی، نظامی و فرهنگی و امنیتی مهم، ابعاد ناگفته‌ای از تاریخ دوران پهلوی دوم و انقلاب اسلامی را بیان کنند و زمینه‌ی تاریخ‌نگاری جامع دوره‌ی انقلاب را فراهم آورند. که تاکنون بخش قابل توجهی از این خاطرات در داخل و خارج از کشور انتشار یافته است. البته تاریخ شفاهی، قوت‌ها و ضعف‌های خود را نیز داراست. قوت بارز آن بر ملا کردن حقایق پنهان گذشته است که بنا بر مصالح و ملاحظات گوناگون در تواریخ رسمی ثبت نشده است. ضعف‌های آن نیز ظریف و فراوان است و

چون تشکیلات فراماسونری، استاد اعظم بودن شریف امامی، تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون، کشتار ۱۷ شهریور... کارنامه‌ی شریف امامی... در «خاطرات دکتر علی امینی» بصورت تفصیلی (۱۹ صفحه) با عنوان «معرفی طرح تاریخ شفاهی ایران» که از شال ۱۳۵۹ با نگرش «شبهات‌هایی میان انقلاب روسیه و انقلاب ایران»!! که و با هدف «مهاجرت صدها تن از مقامات حکومت پیشین به غرب فرصت استثنائی برای جمع‌آوری و حفاظت از این اطلاعات تاریخی با ارزش فراهم آورده است» حال با چه هدف؟ برای چه؟ چه کاربردی دارد؟ لاجوردی چیزی نمی‌نویسد!

او معتقد است طرح اولیه برای ۳۵۰ نفر بود، اما در مراحل بعدی ۱۳۲ نفر مصاحبه شدند ولی کمتر از ۹۰ عنوان انتشار یافت. در روش مصاحبه می‌نویسد: «بر حسب تمایل روایت‌کننده» بود. و نقش مصاحبه‌کننده مختصر است. «مصاحبه‌ها را پنج ایرانی، که با تاریخ معاصر ایران آشنایی کافی داشتند انجام دادند. در صورتی که در متن مصاحبه‌ها که انتشار یافته، این ویژگی را نمی‌توان یافت. یا اگر وجود داشته باشد بصورت سطحی و حداقل است!

تاریخ شفاهی زنان دربار
مهناز افخمی در سال ۱۹۸۱ با همراهی گروهی از پناهندگان ایرانی در آمریکا و با کمک بنیاد مطالعات ایران که توسط **اشرف پهلوی** تأسیس شده بود، مرکز تاریخ شفاهی را دایر کرد. در این کار، دانشگاه کلمبیا هم با او همراهی کرد. در حقیقت مهناز افخمی و بنیاد مطالعات ایران در خدمت دانشگاه کلمبیا قرار گرفتند. آنان ابتدا اسامی و زنان رجال و زنان مؤثر در حکومت پهلوی را که در آمریکا بودند تهیه کردند و سپس به مصاحبه با ۴۶ زن از ۱۷ تا ۸۴ سال پرداختند. این مصاحبه‌های عمدتاً در ضدیت با فرهنگ و آداب و سنن ملی و مذهب بود.

از جمله خاطرات منفرد هم که توسط مراکز خاصی تهیه نشده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خاطرات شفاهی شهید مهدی عراقی که سال ۱۳۵۷ در فرانسه توسط دانشجویان مسلمان ایرانی تهیه و تدوین شد. با توجه به اوضاع آن زمان قابل توجه است؛ ولی نقایص فراوان هم دارد.
۲. خاطرات مهندس مهدی بازرگان در ۲ جلد که توسط سرهنگ غلامرضا نجاتی تدوین و منتشر شده است. این متن

کم و بیش آکنده از مبالغات، دروغ‌پردازی، خودبزرگ‌بینی، تله‌پیر خود و مقصر جلوه دادن دیگران و... می‌باشد که باید هوشیارانه با آن‌ها برخورد کرد.

کتاب ماه: اما آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی. در این زمینه یک مسأله روش‌شناسی تاریخ‌نگاری است و دیگری رویکردها. در این مورد چه می‌فرمایید؟

دکتر رحیمی: با توجه به این که حدود سه دهه بیشتر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نمی‌گذرد، نباید انتظار یک جریان جامع و مانع را داشته باشیم و حتماً آسیب‌هایی بر آن وارد است. من این آسیب‌ها را به چند دسته تقسیم کرده‌ام:

الف) فقدان نظریه‌پردازی در بسیاری تحقیقات تاریخی
ب) نظریه‌پردازی‌های آرمانی، خام و غالباً غیرمنطبق با تحولات سه دهه‌ی اخیر. یعنی نظریه‌پردازی نداشته‌ایم و اگر هم داشته‌ایم خام و ناقص بوده است. که عمدتاً به تاریخ‌نگاری دهه‌ی اول برمی‌گردد.
ج) یک‌سویه‌نگری تاریخی و غفلت از سایر عوامل مؤثر در تحولات دوران انقلاب
د) تأثیرپذیری‌های ناآگاهانه از مکاتب تاریخ‌نگاری متداول (ه) عدم استفاده از سایر دانش‌های مؤثر چون جامعه‌شناسی تاریخی، اقتصاد سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی، روابط بین‌الملل و... در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی
و) تأثیر جزمیت‌های ایدئولوژیک، سیاسی، قومی، فرهنگی و نیز حب و بغض‌های شخصی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی؛ البته هم در تاریخ‌نگاری داخل و هم خارج کشور.
ز) اتکاء به یک سلسله منابع مشخص و پرهیز از مراجعه و استفاده از منابع گوناگون و گاه مخالف
برخی از مورخان حتی به خاطرات دیگری هم توجه نمی‌کنند.

کتاب ماه: یعنی یک موضع شخصی اتخاذ می‌کنند و حول آن تاریخ می‌نویسند.

آقای تبریزی: امهات موضوع را در مورد آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی گفتند. البته هریک از مواردی هم که فرمودند نیاز به تحلیل و تفسیر و گاه ذکر نمونه و مصداق دارد.
من میان جریانات داخل و خارج تفاوت‌هایی می‌بینم. بنابراین باید

این دو جریان را مستقل از یکدیگر بررسی کرد. مثلاً برنامه‌های دانشگاه هاروارد یا پژوهشکده‌ی علوم اجتماعی هلند، یا حتی سلطنت‌طلبان خارج از کشور را نمی‌توان با برنامه‌های ملی داخل کشور مقایسه کرد. دو جریان جدا با دو سنخ متفاوت و متضاد هستند، حتی اگر به تفاوت ایدئولوژی هم توجه نکنیم. چون ما معتقدیم این گروه‌ها نه تنها دین ندارند که حتی به ملیت خود هم چندان پایبند نیستند. بدین ترتیب جریان خارج از کشور تکلیف مشخصی دارد.

اما در داخل کشور تاریخ شفاهی و خاطرات با تک‌نگاشته‌ها تفاوت دارد. در تاریخ شفاهی، طبیعی است که یک فرد خود را محور بداند، علاوه بر این که زاویه و وسعت دید هر فرد محدود است. دوم این که ما عادت کرده‌ایم خاطرات را بدون یادداشت ارائه می‌دهیم. یعنی مثلاً یک شخص در دهه‌ی شصت چه دیدگاهی داشته است، در دهه‌ی ۷۰ و یا ۸۰ چطور؟ اما هنگامی که امروز خاطرات را می‌نویسند، حتی بدون در نظر گرفتن ملاحظات و یا وارد سیاست شدن، با تفکر و عقیده‌ی امروزی نویسنده این خاطرات نوشته می‌شوند. گاه شخص یادداشت‌های قبلی خود را دارد و با مراجعه به آن‌ها خاطره می‌نویسد و می‌گوید که آن روز چه دیدگاهی داشته است، در طی این دوران هم تکاملی پیدا کرده است که به تفکر و دیدگاه امروز رسیده است. عدم وجود این یادداشت‌ها، خاطرات را ضعیف می‌کند.

مسأله‌ی بعد افراط و تفریط در خاطره‌نویسی است که گاه ناشی از حب و بغض‌های شخصی می‌باشد و گاه بر اثر سهو و توهم است. اگر این آموزه‌ی قرآنی در ذهن ما باشد که تاریخ آینه است و برای عبرت، و نیز انتقال تجربه از نسلی به نسل دیگر، در نوشتن خیانت نمی‌کنیم. آن چه مکتوب می‌شود در جامعه ماندگار است، لذا باید با دقت تدوین شود.

اگر این مبانی نظری را با توجه به آموزه‌های قرآن به کار ببریم، موفق خواهیم بود.

یکی دیگر از آسیب‌ها کمبود وقت رجال برای خاطره‌گویی و یا خاطره‌نویسی است. این کار به تمرکز روحی نیاز دارد. مشکل دیگر این است که خاطرات در سنین کهنولت از افراد گرفته می‌شود. این امر باعث اشتباهاتی می‌شود. به ویژه اگر شخصی که خاطره می‌گوید، دفتر یادداشت نداشته باشد. گاه اسامی افراد را ناقص یا نارسا می‌گویند.

دیگر این که فرد مصاحبه‌کننده خود باید به موضوع مورد مصاحبه اشراف داشته باشد. اگر مصاحبه‌شونده چپ است، به تاریخ‌نگاری چپ اشراف داشته باشد. مصاحبه‌کننده باید هم شخص را بشناسد و هم موضوع مورد مصاحبه را.

در خاطرات به علت زمان و نیز وجود معارضین، تنها به خاطرات سیاسی، نظامی و مبارزاتی اکتفا کرده‌ایم و وارد حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی مانند معلمان؛ پزشکان، بازاریان، دانشگاهیان و... نشده‌ایم. باید چنان کار دقیق باشد که همه منابع و داده‌ها در اختیار محققان قرار گیرد



تاریخ‌نگاری

ما باید در دانشگاه‌های داخلی کرسی امریکاشناسی و مانند آن داشته باشیم. اما امروزه دانشگاه ما حتی مصرف‌کننده هم نیست. مثلاً ما تا قرن ششم ملل و النحل را داریم، ولی امروز به این موارد اهمیت داده نمی‌شود. و اسامی و تاریخ رجال ما تا آقابزرگ بیشتر نمی‌رسد

کتاب ماه: شاید اگر بخواهیم پژوهش‌های تاریخ شفاهی به درستی انجام گیرد، شاید بهتر باشد مصاحبه‌ها گروهی انجام گیرد. یعنی تیمی تشکیل شود که از زوایای مختلف به موضوع بنگرد.

پی‌نوشت:

آقای تبریزی: بله. به این ترتیب حتماً مطالب دقیق‌تر خواهند شد.

در خاطرات به علت زمان و نیز وجود معارضین، تنها به خاطرات سیاسی، نظامی و مبارزاتی اکتفا کرده‌ایم و وارد حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی مانند معلمان؛ پزشکان، بازاریان، دانشگاهیان و... نشده‌ایم. باید چنان کار دقیق باشد که همه منابع و داده‌ها در اختیار محققان قرار گیرد.

مشکل بعدی عدم ارائه‌ی اسناد همراه با خاطرات رجال است. گاه حرف یک شخصیت با سند تناقض دارد و ممکن است موردی را فراموش کرده باشد، یک سند مؤید واقعیت خاطرات او خواهد بود.

بعضی اسناد نیز به علت منحصر به فرد بودنشان در اختیار پژوهشگر قرار ندارند و این خود یک نقص در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری است.

یکی از مهم‌ترین مشکلات تاریخ‌نگاری، عدم حضور حوزه و دانشگاه به مباحث جدی تاریخی است. اگر این دو قطب به عنوان دو بازوی فرهنگی نظام، به تاریخ توجه کنند، متون بیشتر و بهتری نوشته خواهد شد. اکنون کسانی که وارد حوزه‌ی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌شوند، بر اساس ذوق و سلیقه‌ی شخصی است و دانشجو در این رشته، آن‌چنان که شایسته است، تربیت نمی‌شود. دانشجو باید علاوه بر اشراف به موضوع، بتواند موضوع را پرورش دهد و بنویسد که متأسفانه چنین اتفاقی هنوز نیفتاده است.

دیگر این که ما باید در دانشگاه‌های داخلی کرسی امریکاشناسی و مانند آن داشته باشیم. اما امروزه دانشگاه ما حتی مصرف‌کننده هم نیست. مثلاً ما تا قرن ششم ملل و النحل را داریم، ولی امروز به این موارد اهمیت داده نمی‌شود. و اسامی و تاریخ رجال ما تا آقابزرگ بیشتر نمی‌رسد.

دانشگاه اگر وارد این حوزه شود، هم می‌تواند نظریه‌پردازی کند و هم عملاً به تحقیق بپردازد.

کتاب ماه: با تشکر از اساتید و وقتی که در اختیار ما گذاشتند.

۱. علم، اسدالله؛ خاطرات: ج ۶، تهران، کتاب‌سرا.
 ۲. رجوع شود به کلمات قصار امام خمینی (ره) / تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ ۱۳۷۸، صص ۱۷۶ - ۱۷۷.
 ۳. همان.
 ۴. همان.
 ۵. فلسفه تاریخ، استاد مرتضی مطهری، جلد اول، ص ۱۷۴.
 ۶. به عنوان نمونه کتاب قصه‌ی هویدا، نوشته‌ی ابراهیم ذوالفقاری زاویه و نگرش مناسی برای تاریخ‌نگاری ارائه می‌دهد. یا مجموعه‌ی دروس استاد دکتر محمد رجبی در سال‌های ۱۳۶۰ - ۱۳۵۸، بینش و نگرش استاد به تاریخ و تاریخ‌نگاری می‌تواند با توجه به تحولات جدید نمونه‌ی دیگری باشد.
 ۷. اخیراً مجله‌ی «یادآور» را انتشار داده که حاوی مطالب بسیار سودمندی در تاریخ است. خصوصاً این مجله هر شماره ویژه‌ی یک شخصیت و موضوع است. شماره اول ویژه‌ی امام خمینی، شماره‌ی دو ویژه‌ی آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، ویژه‌نامه‌ی سوم ویژه‌ی شادروان جلال آل احمد و...
 ۸. فصلنامه مطالعات تاریخی بیش از شش سال است که به طور منظم انتشار می‌یابد و یکی از مهم‌ترین مجلات تخصصی است. ویژه‌نامه‌های ۱۵ خرداد، انقلاب اسلامی، بهائیت... از جمله کوشش‌های این مؤسسه است.
 ۹. به عنوان نمونه: خاطرات محمدعلی جمال‌زاده، انتشارات روزنامه همشهری / خاطرات نورالدین کیانوری، انتشارات دیدگاه / خاطرات مریم فیروز، انتشارات دیدگاه / گفت‌وگو با تاریخ، مجموعه مصاحبه‌ها با نورالدین کیانوری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی از این دست است.
 ۱۰. امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک / ۲ مجلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی
- و دیگر: کابینه حسنعلی منصور به روایت اسناد ساواک / ۳ مجلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.